

فرمول
لیست

پرفروش‌ترین
کتاب‌های
امتحان
تهایی

فرمول
لیست

فرمول
لیست

عربی ۳

پایه دوازدهم

رشته‌های

تجربی و ریاضی

فرمول
لیست

مؤلف: خدیجه علیپور

همکار مؤلف: محمد مهدی بهرادجو

واژگان

بخش
۵/۵
تفصیل

درس اول	
۹۸	بسته ۱: معنی کلمات
۱۰۴	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۰۵	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۰۷	بسته ۴: جمع مکسر
۱۰۹	بسته ۵: انواع اسم
درس دوم	
۱۱۱	بسته ۱: معنی کلمات
۱۱۷	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۱۸	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۲۰	بسته ۴: جمع مکسر
۱۲۲	بسته ۵: انواع اسم
درس سوم	
۱۲۴	بسته ۱: معنی کلمات
۱۳۰	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۳۱	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۳۲	بسته ۴: جمع مکسر
۱۳۴	بسته ۵: انواع اسم
درس چهارم	
۱۳۷	بسته ۱: معنی کلمات
۱۴۲	بسته ۲: کلمات مترادف
۱۴۳	بسته ۳: کلمات متضاد
۱۴۵	بسته ۴: جمع مکسر
۱۴۶	بسته ۵: انواع اسم

ترجمه فعل

بخش
۱
تفصیل

۱۰	قسمت ۱: کادرهای آموزشی
۲۴	قسمت ۲: تمرین کتاب درسی
۲۸	قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی

ترجمه و درک مطلب

بخش
۹/۵
تفصیل

درس اول	
۳۲	بسته ۱: متن درس
۳۸	بسته ۲: إعلموا
۴۲	بسته ۳: تمرین
درس دوم	
۴۷	بسته ۱: متن درس
۵۳	بسته ۲: إعلموا
۵۶	بسته ۳: تمرین
درس سوم	
۶۳	بسته ۱: متن درس
۷۳	بسته ۲: إعلموا
۷۶	بسته ۳: تمرین
درس چهارم	
۸۱	بسته ۱: متن درس
۸۸	بسته ۲: إعلموا
۹۰	بسته ۳: تمرین

پاسخ نامه تشریحی

۱۸۴	بخش ۱: ترجمه فعل
۱۸۵	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۲۰۱	بخش ۳: واژگان
۲۱۷	بخش ۴: قواعد
۲۲۲	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

امتحان نهایی

۲۲۸	آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۲
۲۳۰	آزمون ۲: شهریور ماه ۱۴۰۲
۲۳۲	آزمون ۳: خرداد ماه ۱۴۰۳
۲۳۴	آزمون ۴: مرداد ماه ۱۴۰۳
۲۳۶	آزمون ۵: دی ماه ۱۴۰۳
۲۳۸	آزمون ۶: خرداد ماه ۱۴۰۴
۲۴۰	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۶

قواعد

درس اول	
۱۴۸	بسته ۱: حروف مشبّهه بالفعل
۱۵۱	بسته ۲: «لا»ی نفی جنس
درس دوم	
۱۵۴	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۵۸	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۵۹	بسته ۱: ادات استثناء
۱۶۱	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۶۲	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۶۴	بسته ۲: نکات ترجمه

تحلیل صرفی و اعراب

۱۶۶	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۱۶۹	قسمت ۲: محل اعرابی
۱۷۳	قسمت ۳: سؤالات درس به درس

برای دسترسی سریع به
این آیدی QR-Code
مقابل را اسکن کنید.



برای دریافت آزمون های
درس به درس کلمه
«عربی» را به این
آیدی تلگرام
ارسال کنید.

@gajlive_bot



مدرسہ
اینٹرنی
گاج

گاج لایو



۱۰۵
دقیقه

جلسه
۳
محلّ
اعرابی
(نقش کلمات)



۱۸۰
دقیقه

جلسه
۲
تشخیص
فعل و
انواع آن



۸۰
دقیقه

جلسه
۱
تشخیص
اسم و
انواع آن



۵۰
دقیقه

جلسه
۵
تکنیک‌های
پاسخ به
درک مطلب



۵۵
دقیقه

جلسه
۴
تحلیل
صرفی
(تجزیه کلمات)



۴۰
دقیقه

جلسه
۳
تحلیل
«اعلموا»
«اخْتِیرْ نَفْسُکَ»



۸۵
دقیقه

جلسه
۲
تحلیل
متن
درس



۳۵
دقیقه

جلسه
۱
آموزش قواعد
حروف مشبّهه
«لا»ی نفی جنس



۴۰
دقیقه

جلسه
۵
آزمون‌های
درس
اول



۷۰
دقیقه

جلسه
۵
نمونه
سوالات
نهایی



۸۵
دقیقه

جلسه
۴
تحلیل
متن
تمارین





۳۵
دقیقه

جلسه



تحلیل
«اعلموا»
«اخْتِيزْ نَفْسَكَ»



۶۰
دقیقه

جلسه



تحلیل
متن
درس



۴۵
دقیقه

جلسه



آموزش قواعد
حال
(قید حالت)



۳۵
دقیقه

جلسه



آزمون های
درس
دوم



۷۰
دقیقه

جلسه



نمونه
سؤالات
نهایی



۷۰
دقیقه

جلسه



تحلیل
متن
تمارین



۲۵
دقیقه

جلسه



تحلیل
«اعلموا»
«اخْتِيزْ نَفْسَكَ»



۹۵
دقیقه

جلسه



تحلیل
متن
درس



۴۰
دقیقه

جلسه



آموزش قواعد
استثناء



۴۰
دقیقه

جلسه



آزمون های
درس
سوم



۸۰
دقیقه

جلسه



نمونه
سؤالات
نهایی



۴۵
دقیقه

جلسه



تحلیل
متن
تمارین



۷۵
دقیقه

جلسه



تحلیل
متن
تمارین



۶۰
دقیقه

جلسه



تحلیل متن درس
«اعلموا»
«اختر نفسك»



۲۵
دقیقه

جلسه



آموزش قواعد
مفعول مطلق



۳۵
دقیقه

جلسه



آزمون‌های
درس
چهارم



۸۰
دقیقه

جلسه



نمونه
سؤالات
نهایی



۲۰
دقیقه

جلسه



خرداد
۱۴۰۲



۲۰
دقیقه

جلسه



نیمسال
اول (۲)



۱۵
دقیقه

جلسه



نیمسال
اول (۱)



۲۰
دقیقه

جلسه



خرداد
۱۴۰۴



۲۰
دقیقه

جلسه



خرداد
۱۴۰۳

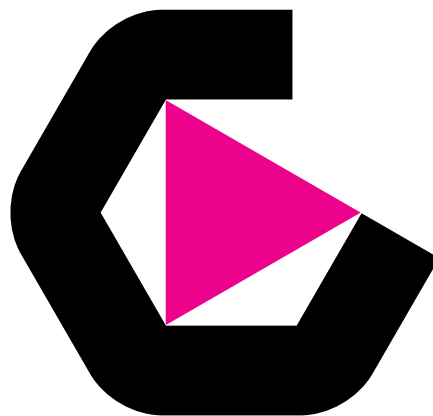


عربی ۳

دوره کامل آموزش تصویری در
۳۰ ساعت به صورت درس به درس



برای مشاهده ویدیوها در سایت gajlive.ir
برچسب را **خرش** داده و از کد زیر استفاده کنید



پشتیبانی
۰۲۱-۶۴۲۰

www.gajlive.ir

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۹/۵ نمره	۵/۵ نمره	۲۵/۱ نمره	۷۵/۱ نمره

ترجمه فعل



قسمت

کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمه انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. (علاوه بر این ۲ نمره مستقیم، نکات ترجمه فعل در سؤالات ترجمه آیات و عبارات نیز کاربرد زیادی دارد) در این قسمت همه نکات مربوط به ترجمه فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← تَعَلَّمْنَا درساً لَنْ نُنْسَاهُ. (خرداد ۱۴۰۳)
۲. عَلِمَ (دانست) ← عَلِمْتُ الْأَسْرَارَ. (دی ۱۴۰۲)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

إنتخب الصحيح:

۷. زُمَلَائِي فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِداً. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
- (۱) حَضَرَ ○ (۲) حَضَرُوا ○ (۳) حَضَرَنْ
۸. شَبَابُنَا عَلَّمَ إِيْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ. (خرداد ۱۴۰۲)
- (۱) رَفَعُوا ○ (۲) رَفَعْتُ ○ (۳) رَفَعَ
۹. الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمُبَارَاةِ عَلَّمَ إِيْرَانَ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- (۱) رَفَعَ ○ (۲) رَفَعْتُ ○ (۳) رَفَعَتْ
۱۰. نَحْنُ بَيْتاً جَمِيلاً مِنَ الْخَشَبِ. (خرداد ۹۸)
- (۱) صَنَعْنَا ○ (۲) صَنَعْتُ ○ (۳) صَنَعُوا
۱۱. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (دی ۹۸)
- (۱) نَجَحَتْ ○ (۲) نَجَحَ ○ (۳) نَجَحْنَ
۱۲. إِنَّا نَحْنُ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً. (دی خارج ۹۹)
- (۱) نَزَّلْتُ ○ (۲) نَزَّلْنَا ○ (۳) نَزَّلُوا

پاسخ سؤالات

۱. آموختیم
۲. دانستی
۳. نشست
۴. نامه‌نگاری کردند
۵. برید
۶. کمک کردم
۷. گزینه «۲»: «زُمَلَاء» جمع مَكْسَر و مَذْكَر عاقل است و فعل «حَضَرُوا» مناسب جای خالی است.

ماضی ساده



• فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

✎ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناخت آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغه مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أَنَا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أَنْتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أَنْتِ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُما	أَنْتُمَا (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُم	أَنْتُمْ (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أَنْتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	نشستند
جَلَسَتَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	
جَلَسُوا	و	هُمْ (آن‌ها)	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ (آن‌ها)	

✎ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ث» نشانه مؤنث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)

(خرداد ۹۹)

۱۲. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هي ما اجْتَهَدَتْ.

(خرداد خارج ۱۴۰۲)

۱۳. عَلِمَ (دانست) ← لَمْ يَعْلَمُوا شَأْنَ والدِيهِمْ.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۱۴. عَلِمَ (یاد داد) ← ما عَلَّمْنِ.

(دی خارج ۱۴۰۱)

۱۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لَمْ يُسَاعِدْ صَدِيقَهُ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۱۶. أَنْقَذَ (نجات داد) ← هُوَ لَمْ يُنْقِذْ شَخْصاً.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۷. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ.

(دی خارج ۹۹)

۱۸. صَرَبَ (زد) ← لَمْ يَضْرِبْ.

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۹. صَلَحَ (تعمیر کرد) ← هُوَ لَمْ يُصْلِحْ جِرَارَتَهُ.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَمْ يَتَكَلَّمَا.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُم لَمْ يُسَاعِدُوا.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۲. شَجَّحَ (تشویق کرد) ← لَمْ يُشَجِّعْنِ.

(دی ۹۸)

۲۳. أَجْلَسَ (نشاند) ← هُم لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۲۴. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۲۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ.

(دی ۹۷)

۲۶. مَاشَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ.

○ (۱) مشاهده می‌کردم

○ (۲) مشاهده نکردم

○ (۳) مشاهده نمی‌کنم

(آذر ۱۴۰۱)

۲۷. عَفَرَ (آمرزید) ← لَمْ يَعْفُرْ.

پاسخ سؤالات

۱. به دست نیاورديم، به دست نياورده ايم (لَمْ + نَكْتَسِبْ ← لَمْ نَكْتَسِبْ (ماضي منفي / ماضي نقلی منفي))

۲. بالا نرفت، بالا نرفته است (لَمْ + تَصْعَدُ ← لَمْ تَصْعَدْ (ماضي منفي / ماضي نقلی منفي))

۳. نپریدم (ما + قَفَرْتُ ← ما قَفَرْتُ (ماضي منفي))

۴. اجازه نداديم، اجازه نداده ايم (لَمْ + نَسَمَحُ ← لَمْ نَسَمَحْ (ماضي منفي، ماضي نقلی منفي))

۵. تلاش نکرد، تلاش نکرده است (لَمْ + تَجْتَهِدُ ← لَمْ تَجْتَهِدْ (ماضي منفي، ماضي نقلی منفي))

۶. فرانگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضي منفي، ماضي نقلی منفي))

۷. آمرزش خواست (ما + اسْتَغْفَرْتُ ← ما اسْتَغْفَرْتُ (ماضي منفي))

۸. یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← ما ذَكَرْتُمْ (ماضي منفي))

۹. به یاد نیاورديد (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← ما تَذَكَّرْتُمْ (ماضي منفي))

۱۰. نفرستاد (ما + أَرْسَلَ ← ما أَرْسَلَ (ماضي منفي))

۱۱. مشاهده نکرد، مشاهده نکرده است (لَمْ + يُشَاهِدُ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضي منفي، ماضي نقلی منفي))

۱۲. تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← ما اجْتَهَدْتُ (ماضي منفي))

۱۳. ندانستند، ندانسته اند (لَمْ + يَعْلَمُونَ ← لَمْ يَعْلَمُوا (ماضي منفي، ماضي نقلی منفي))

۸. گزینه «۳»: «شَبَاب» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.

۹. گزینه «۳»: با توجه به «الفائِزَةُ» که مفرد مؤنث غایب است فعل «رَفَعْتُ» صحیح می‌باشد. (برندهٔ اول پرچم ایران را در مسابقه بالا برد.)

۱۰. گزینه «۱»: با توجه به ضمیر «نَحْنُ» فعل در صیغهٔ اول شخص جمع (متکلم مع‌الغیر) می‌آید. (ما خانه‌ای زیبا از چوب ساختیم.)

۱۱. گزینه «۱»: با توجه به «الطَّالِبَات» فعل در ابتدای عبارت مفرد مؤنث می‌آید. (دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.)

۱۲. گزینه «۲»: با توجه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. (به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.)

ماضي منفي

• فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود.

◀ رَجَعَ (بازگشت) منفي ← ما رَجَعْنَا (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفي

• فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می‌شود.

◀ لَمْ + يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفي

◀ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لَمْ» مخفف «لِمَاذَا» به معنای «چرا، برای چه» کلمهٔ پرسشی است.

لَمْ تَقُولُوا لَمْ لَا تَقُولُوا؟	چرا می‌گویند آن چه را که انجام نمی‌دهید؟
أَلَمْ يَعْلَمُوا بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؟	آیا ندانست که خدا می‌بیند؟ ماضي منفي
لَمْ مَاعَمِلْتُمْ بِوَاجِبَاتِكُمْ؟	چرا به تکالیفتان عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. اِكْتَسَبَ (به دست آورد) ← لَمْ نَكْتَسِبِ الْبَاطِلَ.

۲. صَعَدَ (بالا رفت) ← الْوَالِدَةُ لَمْ تَصْعَدْ الْجَبَلَ.

۳. قَفَرَ (پرید) ← ما قَفَرْتُ مِنَ الطَّائِرَةِ.

۴. سَمَحَ (اجازه داد) ← لَمْ نَسَمَحْ لِلنَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا.

۵. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هي لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا.

۶. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الْكَسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمَا الدَّرْسَ.

۷. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← هي ما اسْتَغْفَرْتُ.

۸. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ ما ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.

۹. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.

۱۰. أَرْسَلَ (فرستاد) ← ما أَرْسَلْنَا.

۱۱. شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئاً.

(خارج خرداد ۱۴۰۴)

(خرداد ۱۴۰۴)

(دی ۱۴۰۲)

(دی ۱۴۰۲)

(خرداد ۱۴۰۲)

(دی ۱۴۰۱)

(شهریور ۹۹)

(شهریور ۱۴۰۰)

(دی ۱۴۰۰)

(دی ۹۹)

(خرداد ۹۹)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. قَيَّدَ (به بند آورد) ← قَدَّ قَيَّدُوا فُنُونَهُمْ بِالتَّكْرَارِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. غَفَرَ (آمرزید) ← قَدَّ غَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (آذر ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
۳. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَغْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتُ. (دی خارج ۹۹)
۵. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنْ مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)
۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ. (خرداد خارج ۹۸)
۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)
۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ اِمْتَنَعْتُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جَيِّدًا. (دی ۹۸)
۱۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْحَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. به بند آورده اند (قَدْ + قَيَّدُوا ← ماضی نقلی)
۲. آمرزیده است (قَدْ + غَفَرَ ← ماضی نقلی)
۳. آمرزش خواسته اید (قَدْ + اسْتَغْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
۴. یاد داده ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)
۵. سخن گفته ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
۶. به یاد آورده ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)
۷. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
۸. خودداری کرده است (قَدْ + اِمْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)
۹. رفتار کرده ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۰. عمل کرده ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۱. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

ماضی استمراری

- به فعلی گفته می شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.
- می نوشتم، می آمدند، می خوردید و ...
- فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه های ماضی فعل «كَانَ» به قبل از صیغه های فعل مضارع ساخته می شود.
- كَانَ + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ

كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

- فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می شود.
- كَانَ يَعْلَمُ ترجمه می دانست

ماضی استمراری

۱۴. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتُ ← ما عَلَّمْتُ ماضی منفی))

۱۵. کمک نکرد، کمک نکرده ست (لَمْ + يُسَاعِدْ ← لَمْ يُسَاعِدْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۱۶. نجات نداد، نجات نداده است (لَمْ + يُنْقِذْ ← لَمْ يُنْقِذْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۱۷. تلاش نکرد، تلاش نکرده است (لَمْ + يَجْتَهِدْ ← لَمْ يَجْتَهِدْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۱۸. نزدند، زنده اند (لَمْ + يَضْرِبْنَ ← لَمْ يَضْرِبْنَ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۱۹. تعمیر نکرد، تعمیر نکرده است. (لَمْ + يُصَلِّحْ ← لَمْ يُصَلِّحْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۲۰. سخن نگفتند، سخن نگفته اند (لَمْ + يَتَكَلَّمَا ← لَمْ يَتَكَلَّمَا ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۲۱. کمک نکردند، کمک نکرده اند (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۲۲. تشویق نکردند، تشویق نکرده اند (لَمْ + يُشَجِّعْنَ ← لَمْ يُشَجِّعْنَ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۲۳. نشانندند، نشانده اند (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۲۴. نفرستادند، نفرستاده اند (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

۲۵. به یاد نیاورد (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ ماضی منفی))

۲۶. گزینه «۲»: مشاهده نکردم (ما + شَاهَدْتُ ← ما شَاهَدْتُ ماضی منفی))

۲۷. نیامرزید، نیامرزیده است (لَمْ + يَعْفِرْ ← لَمْ يَعْفِرْ ماضی منفی، ماضی نقلی منفی))

ماضی نقلی

- به فعلی گفته می شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

- برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می شود.

قَدْ + ذَهَبَ ماضی نقلی ← قَدْ ذَهَبَ

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

- فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می شود.

قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته ام

فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می شود.

(پس یادتون باشه ترکیب (لَمْ + فعل مضارع) می تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه ۱ ندانستند (ماضی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه ۲ ندانسته اند (ماضی نقلی منفی)

۶. قَطَعَ (برید) ← کانوا یَقْطَعُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
۷. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← کانوا یَجْتَهِدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۸. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← کانَ یَتَقَرَّبُ. (دی ۹۹)
۹. عَلِمَ (دانست) ← کُنْتُ أَعْلَمُ شیئاً. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۰. جَلَسَ (هم‌نشینی کرد) ← کانا یُجَالِسَانِ الصَّالِحِينَ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← کانوا یَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۲. عَمِلَ (عمل کرد) ← کُنْتُ تَعْمَلُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ کَانَ یَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۴. صَلَّحَ (تعمیر کرد) ← کَانُوا یُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ. (شهریور ۱۴۰۱)
۱۵. عَامَلَ (رفتار کرد) ← کانوا یُعَامِلُونَ جَيِّدًا. (شهریور ۹۹)
۱۶. لَبِثَ ناصراً ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ. (خرداد خارج ۹۸)
- ۱) دوری کرده است
- ۲) دوری می‌کرد
- ۳) دوری خواهد کرد
۱۷. قَطَعَ (برید) ← کانا یَقْطَعَانِ الشَّجَرَةَ. (دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. می‌دانستم (کُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۲. رفتار می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «یُعَامِلُ» ← ماضی استمراری)
۳. می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع «یَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۴. می‌دانستید (کُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
۵. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند (کانا + فعل مضارع «یُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
۶. می‌بریدند (کانوا + فعل مضارع «یَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
۷. تلاش می‌کردند (کانوا + فعل مضارع «یَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
۸. نزدیک می‌شد (كَانَ + فعل مضارع «یَتَقَرَّبُ» ← ماضی استمراری)
۹. می‌دانستم (کُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۱۰. هم‌نشینی می‌کردند (کانا + فعل مضارع «یُجَالِسَانِ» ← ماضی استمراری)
۱۱. سخن می‌گفتند (کانوا + فعل مضارع «یَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۲. عمل می‌کردی (کُنْتُ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۳. خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «یَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۱۴. تعمیر می‌کردند

- (کانوا + فعل مضارع «یُصَلِّحُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۵. رفتار می‌کردند (کانوا + فعل مضارع «یُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۶. گزینۀ (۲): دوری می‌کرد
- (لَبِثَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)
۱۷. می‌بریدند (کانا + فعل مضارع «یَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)

• به شکل‌های مختلف فعل «كَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن‌ها در جدول بعد دقت کنید.

شکل‌های «كَانَ»	فعل مضارع	ترجمه
۱. کَانَ ۲. کَانَتْ	یَذْهَبُ تَذْهَبُ	می‌رفت
۳. کانا ۴. کانتا	یَذْهَبَانِ تَذْهَبَانِ	می‌رفتند
۵. کانوا ۶. کُنَّ	یَذْهَبُونَ یَذْهَبْنَ	
۷. کُنْتُ ۸. کُنْتِ	تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ	می‌رفتی
۹. کُنْتُمَا ۱۰. کُنْتُمْ ۱۱. کُنْتُنَّ	تَذْهَبَانِ تَذْهَبُونَ تَذْهَبْنَ	می‌رفتید
۱۲. کُنْتُ	أَذْهَبُ	می‌رفتم
۱۳. کُنَّا	نَذْهَبُ	می‌رفتیم

◀ فعل ماضی در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

◀ لَبِثَ مُحَمَّدًا نَصْرَ صَدِيقِهِ. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد.

(البته در ساختار «لَبِثَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می‌شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.)

◀ فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

◀ شَاهَدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی + نکره + مضارع

◀ شَاهَدْتُ الطِّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی‌که بازی می‌کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

۱. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُ أَعْلَمُ هَذِهِ الْمَسْأَلَةَ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← هُوَ كَانَ يُعَامِلُ التَّلَامِيذَ بِصِدَاقَةٍ. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. جَلَسَ (نشست) ← كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۵. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ. (دی خارج ۹۹)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. عَلِمَ (دانست) ← كَانَ قَدْ عَلِمَا قِيَمَةَ الْعِلْمِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. نَظَرَ (نگاه کرد) ← كَانَتْ قَدْ نَظَرَتْ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِي. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. اسْتَمَعَ (گوش داد) ← الْوَلَدُ كَانَ قَدْ اسْتَمَعَ نَصِيحَةَ أَبِيهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۴. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِيزَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
۵. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹)
۶. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← هُوَ كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ. (شهریور ۹۹)
۷. رَخَّصَ (ارزان شد) ← أَسْعَارُ الْبَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۸. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۹. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَيْتَهُمْ تَكَاتَبُوا. (شهریور خارج ۹۸)

پاسخ سؤالات

۱. دانسته بودند (کانا + قَدْ + فعل ماضی (عِلِمَا) ← ماضی بعید)
۲. نگاه کرده بودم (کان + قَدْ + فعل ماضی (نَظَرْتُ) ← ماضی بعید)
۳. گوش فرا داده بود (کان + قَدْ + فعل ماضی (اسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
۴. نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۵. خودداری کرده بود (کان + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
۶. بازنشسته شده بود (کان + قَدْ + فعل ماضی (تَقَاعَدَ) ← ماضی بعید)
۷. ارزان شده بود (كانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)
۸. قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
۹. نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (لَیْتُ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

مضارع ساده



تکرار

- فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.
- یَنْصُرُ (یاری می‌کند)، تَرْجِعَانِ (باز می‌گردند، باز می‌گردید)، یُدَافِعُونَ (دفاع می‌کنند) و
- در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمایر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسْ	ندارد	أَنَا (من)	می‌نشینم
تَجْلِسْ		أَنْتَ (تو)	می‌نشینی
تَجْلِسِينَ	یَنْ	أَنْتِ (تو)	
يَجْلِسْ	ندارد	هُوَ (او)	می‌نشیند
تَجْلِسْ		هِيَ (او)	
نَجْلِسْ	ندارد	نَحْنُ (ما)	می‌نشینیم

ماضی بعید



تکرار

- به فعلی گفته می‌شود که در گذشته دور انجام شده است.
- نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه‌های ماضی «كانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه‌های فعل ماضی ساخته می‌شود.
- كانَ + قَدْ + جَلَسَ ← كانَ قَدْ جَلَسَ
- آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می‌آید.

كانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می‌شود.
- كانَ قَدْ كَتَبَ ترجمه نوشتن بود.
- كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه نوشتن بودیم.
- به شکل‌های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول بعد دقت کنید.

ماضی بعید	ترجمه
۱. كانَ (قَدْ) ذَهَبَ	رفته بود
۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ	
۳. كانَا (قَدْ) ذَهَبَا	
۴. كَانَتَا (قَدْ) ذَهَبَتَا	رفته بودند
۵. كانوا (قَدْ) ذَهَبُوا	
۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ	
۷. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ	رفته بودی
۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ	
۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا	
۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ	رفته بودید
۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ	
۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ	رفته بودم
۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا	رفته بودیم

- فعل ماضی در ساختار «لَیْتُ + فعل ماضی» را نیز می‌توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تا ش درست است.)
- لَیْتُ التَّلْمِيزَ اِبْتِعَادَ عَنِ الْكَسَلِ ← کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می‌کرد.)

لَیْتُ + ماضی ← ماضی بعید
ماضی استمراری

- فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می‌شود.
- شاهَدْتُ صَدِيقًا سَاعَدَنِي فِي الدُّرُوسِ ← دوستی را دیدم که به من ماضی ماضی
- در درس‌ها کمک کرده بود. (کمک کرد)
- ماضی بعید

(شهریور ۹۸)

۱۸. اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا الشَّرَّكَ بِاللَّهِ.

○ (۱) تَغْفِرُ ○ (۲) يَغْفِرُ ○ (۳) نَغْفِرُ

(شهریور ۹۸)

۱۹. الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ فِي الْمَصْنَعِ.

○ (۱) يَسْتَعْمِلُونَ ○ (۲) تَسْتَعْمِلُونَ ○ (۳) يَسْتَعْمِلْنَ

(دی ۹۸)

۲۰. كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْأَدَبُ.

○ (۱) تَرْخُصُ ○ (۲) يَرْخُصُ ○ (۳) تَرْخُصُ

پاسخ سؤالات

۱. می‌پزند (مضارع اخباری)
۲. سؤال می‌کنید (مضارع اخباری)
۳. می‌فرستند (مضارع اخباری)
۴. بازنشسته می‌شویم (مضارع اخباری)
۵. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)
۶. نزدیک می‌شوند (مضارع اخباری)
۷. یاری می‌جویم (مضارع اخباری)
۸. می‌آفرینند (مضارع اخباری)
۹. کمک می‌کنی (مضارع اخباری)
۱۰. کمک می‌کنند (مضارع اخباری)
۱۱. به یاد می‌آورم (مضارع اخباری)
۱۲. هم‌نشینی می‌کنند (مضارع اخباری)
۱۳. گزینۀ «۳»: يَطُوفُ («الحاج» مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغۀ مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت «حج‌گزار هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کند».
۱۴. گزینۀ «۱»: تَوَكَّدَ (با توجه به «الآثار» که بر جمع مکسر غیرعقل دلالت دارد، فعل در صیغۀ مفرد مؤنث می‌آید.) ترجمۀ عبارت «آثار قدیمی بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند».
۱۵. گزینۀ «۲»: يَجْمَعُونَ («الْفَلَّاحُونَ» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید.) ترجمۀ عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.
۱۶. گزینۀ «۱»: يُسَجِّعُونَ («الْمُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید.) ترجمۀ عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.
۱۷. گزینۀ «۲»: يَعْتَمِدُونَ (با توجه به «الأصدقاء» که جمع مذکر است و نیز ضمیر «هم» فعل «يَعْتَمِدُونَ» مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت: دوستان بر خودشان تکیه می‌کنند.
۱۸. گزینۀ «۲»: يَغْفِرُ (با توجه به کلمۀ «اللّه» فعل يَغْفِرُ در صیغه مفرد مذکر مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت «خداوند به‌جز شرک به خدا، گناهان را می‌بخشد».
۱۹. گزینۀ «۱»: يَسْتَعْمِلُونَ (با توجه به «العمال» که جمع مکسر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْمِلُونَ» مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت «کارگران تلاشگر در کارخانه کار می‌کنند».
۲۰. گزینۀ «۲»: يَرْخُصُ («كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکر دلالت دارد. بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت «هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به‌جز ادب».

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
تَجْلِسَانِ	انِ	أَنْتُمَا (شما)	می‌نشینید
تَجْلِسُونَ	وَنْ	أَنْتُمْ (شما)	
تَجْلِسْنَ	نَ	أَنْتُنَّ (شما)	
يَجْلِسَانِ	انِ	هُمَا (آن دو)	می‌نشینند
يَجْلِسَانِ	وَنْ	هُم (ایشان)	
يَجْلِسْنَ	نَ	هُنَّ (ایشان)	

همان‌طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع

اخباری ترجمه می‌شود: «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»

▶ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می‌کنید؟

مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

مضارع

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. قَفَرَ (پريد) ← الْبَوْمَةَ وَ الْحَقَاشِ يَقْفِرَانِ فِي اللَّيْلِ. (دی ۱۴۰۲)
 ۲. سَأَلَ (سؤال کرد) ← أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونِنِي؟ (خرداد ۱۴۰۲)
 ۳. أُرْسِلَ (فرستاد) ← هُمْ يُرْسِلُونَ الْخَبَرَ. (شهریور ۱۴۰۰)
 ۴. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← نَحْنُ نَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)
 ۵. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← أَشَاهِدُ. (شهریور ۹۸)
 ۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ. (خرداد ۱۴۰۲)
 ۷. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← ... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (شهریور ۱۴۰۲)
 ۸. خَلَقَ (آفرید) ← يَخْلُقُونَ. (دی ۹۹)
 ۹. سَاعَدَ (کمک کن) ← تُسَاعِدِينَ أُمْلَكَ فِي الطَّبْخِ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
 ۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ يُسَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ. (دی خارج ۱۴۰۲)
 ۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← أَنَا أَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحَجَّاجِ. (دی خارج ۱۴۰۲)
 ۱۲. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُنَّ يُجَالِسْنَ الْمُؤْمِنَاتِ. (دی خارج ۱۴۰۲)
- انتخب الفعل المناسب للفراغ:
۱۳. الْحَاجُّ سَبَعَ مَرَّاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
 - (۱) تَطُوفُ ○ (۲) يَطُوفُونَ ○ (۳) يَطُوفُ
 ۱۴. الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. (خرداد ۱۴۰۲)
 - (۱) تَوَكَّدَ ○ (۲) يُوَكِّدُونَ ○ (۳) يُوَكِّدُ
 ۱۵. الْفَلَّاحُونَ الْمَحَاصِيلَ فِي الْمَزَارِعِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
 - (۱) يَجْمَعُ ○ (۲) يَجْمَعُونَ ○ (۳) يَجْمَعْنَ
 ۱۶. الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرَحِينَ. (دی ۱۴۰۰)
 - (۱) يُسَجِّعُونَ ○ (۲) يُسَجِّعْنَ ○ (۳) يُسَجِّجُ
 ۱۷. الْأَصْدِقَاءُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ. (خرداد ۹۸)
 - (۱) تَعْتَمِدُونَ ○ (۲) يَعْتَمِدُونَ ○ (۳) يَعْتَمِدْنَ

مضارع منفی



• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند.

لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی‌رود)

لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی‌روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود.

لَمْ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ ← ترجمه چرا درست را نمی‌نویسی؟

مضارع منفی

لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي. ← ترجمه تو را به یاد نمی‌آورم ای هم‌کلاسی‌ام.

مضارع منفی

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

- ا. اِكْتَسَبَ (به‌دست آورد) ← الرِّمِلَانِ لَا يَكْتَسِبَانِ الشَّرَّ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
- ب. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَمْ لِاتُسَاعِدِينَ أُمَّكَ؟ (خرداد ۱۴۰۴)
- ج. عَامَلَ (رفتار کرد) ← لَمْ لَا تُعَامِلُونَ كَالْإِخْوَانِ؟ (خرداد ۱۴۰۳)
- د. عَلِمَ (دانست) ← لَا تَعْلَمُونَ الدُّرُوسَ الْمَاضِيَةَ. (دی ۱۴۰۲)
- ه. هُمْ لَا يَسْتَعْفِرُونَ. (شهریور ۹۹)
- و. عَلِمَ (یاد داد) ← لَا يُعَلِّمُونَ. (دی خارج ۹۹)
- ز. قَطَعَ (برید) ← لَا نَقْطَعُ. (شهریور ۹۸)
- ح. أَجْلَسَ (نشاند) ← لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟ (دی ۹۸)
- ط. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَا يَمْتَنِعُونَ. (خرداد ۹۹)
- ی. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدَّتِي لَا تَتَذَكَّرُ شَيْئًا. (دی خارج ۱۴۰۱)
- ک. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي. (خرداد خارج ۹۸)
- ل. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَا يَتَكَلَّمُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- م. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لَا يَعْبُدُ. (خرداد خارج ۹۹)
- ن. عَفَرَ (آمرزد) ← لَا يُعْفِرُونَ. (دی خارج ۹۸)
- س. شَجَعَ (تشویق کرد) ← لَا تُشَجِّعِينَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- ع. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتَ لَا تَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. به‌دست نمی‌آورند (لا + فعل مضارع (يَكْتَسِبَانِ) ← مضارع منفی)
۲. کمک نمی‌کنی (لا + فعل مضارع (تُسَاعِدِينَ) ← مضارع منفی)
۳. رفتار نمی‌کنید (لا + فعل مضارع (تُعَامِلُونَ) ← مضارع منفی)
۴. نمی‌دانید (لا + فعل مضارع (تَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
۵. آمرزش نمی‌خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
۶. یاد نمی‌دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)
۷. نمی‌بریم (لا + فعل مضارع (نَقْطَعُ) ← مضارع منفی)
۸. نمی‌نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسِينَ) ← مضارع منفی)
۹. خودداری نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)

نهی



• فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.

نپرس، نگویید، نروید و ...

• برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرشش صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

لا + تَسْأَلُ نهی ← لا تَسْأَلُ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)

لا + تَسْأَلَانِ نهی ← لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)

لا + تَسْأَلْنَ نهی ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف همیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ← نهی

• فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.

لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. ← ترجمه از خانه بیرون نرو.

فعل نهی

لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. ← ترجمه در کتابخانه سخن نگویید.

فعل نهی

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

- ا. اِكْتَسَبَ (به‌دست آورد) ← لَا تَكْتَسِبِي الْعَدَاوَةَ بَيْنَ النَّاسِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
- ب. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إِلَهِي لِاتُعَامِلْ عِبَادَكَ بِالْعَدْلِ. (خرداد ۱۴۰۳)
- ج. سَمَحَ (اجازه داد) ← لَا نَسْمَحِي الْخُرُوجَ مِنَ الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۲)
- د. مَنَعَ (منع کرد) ← لَا تَمْنَعُونَا عَنِ الْخُرُوجِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
- ه. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← يَا رِجَالُ لَا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ. (خرداد ۹۸)
- و. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَا تَمْتَنِعُوا. (خرداد ۹۹)
- ز. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَا تَذَكَّرُ. (دی ۹۷)
- ح. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَا تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۹۹)
- ط. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَا تَتَقَرَّبُوا. (دی ۹۹)
- ی. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنْتَ لَا تُسَاعِدِي. (شهریور ۹۹)
- ک. اِنْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← رَجَاءُ لَا تَنْتَقِلُوا. (شهریور خارج ۹۸)
- ل. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
- م. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَا تُرْسِلْ رِسَالَهُ. (خرداد ۱۴۰۱)
- ن. اِسْتَعَانَ (یاری جست) ← لَا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ. (شهریور ۱۴۰۱)

ایستگاه سؤال



ترجمه الأفعال التالية:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← اَنَا لَنْ أَذْكَرَ عِیُوبَ الْآخِرِينَ. (خرداد ۱۴۰۴)
۲. لَعِبَ (بازی کرد) ← سَلَعَبَ الْفَرِیقَانِ. (دی ۱۴۰۲)
۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← سَأَسَاعِدُ صَدِیقِی فِی أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۴. جَلَسَ (نشست) ← هُمْ سَوْفَ یَجْلِسُونَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۵. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُوَ لَنْ یُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۸)
۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ یَتَذَكَّرُنَّ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِی الدُّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۸. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← سَیَنْتَقِلُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
۹. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتُمْ سَتَتَقَاعَدُونَ. (شهریور ۹۹)
۱۰. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْنَعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَذَكَّرُ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۰)
۱۲. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُمْ لَنْ یَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۳. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← سَیَتَذَكَّرَانِ ذُكْرَیَاتٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← الْحُجَّاجُ سَیَتَذَكَّرُونَ ذُكْرَیَاتِهِمْ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِی لَنْ یَتَذَكَّرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۶. رَخَّصَ (ارزان شد) ← الْأَدَبُ لَنْ یُرَخَّصَ إِذَا كَثُرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَنْ تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۸. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَنْ یَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۹. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَیَعْبُدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۲۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَنْ یُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹)
۲۱. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَنْ یَتَكَاتَبَ. (شهریور خارج ۹۸)
۲۲. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← لَنْ یَنْتَقِلَ. (دی خارج ۹۸)
۲۳. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَى الدُّنْبِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۴. نَجَحَ (موفق شد) ← سَوْفَ یُنْجَحُ. (شهریور ۹۸)
۲۵. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← لَنْ یُشَاهِدَ. (شهریور ۹۸)
۲۶. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ یُعَلِّمَ. (دی خارج ۹۹)
۲۷. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← سَیَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. (خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات



۱. یاد نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أَذْكَرُ) ← لَنْ أَذْكَرَ ← مستقبل منفی)
۲. بازی خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (یَلْعَبُ) ← مستقبل)
۳. کمک خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل)
۴. خواهند نشست (سَوْفَ + فعل مضارع (یَجْلِسُونَ) ← مستقبل)

۱۵. عامل (رفتار کرد) ← إِلَهِي لَا تُعَامِلْ بِعَدْلِكَ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۸)

۱۶. «وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (خرداد خارج ۹۸)

○ ۱ سست نشوید

○ ۲ سست نمی‌شوید

○ ۳ نباید سست شوید

۱۷. قَطَعَ (نبرد) ← لَا تَقْطَعُوا صِدَاقَتَكُمْ. (دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات



۱. به دست نیاور (لَا + تَكْتَسِبِينَ) ← لَا تَكْتَسِبِينَ (نهی))

۲. رفتار نکن (لَا + تُعَامِلْ) ← لَا تُعَامِلْ (نهی))

۳. اجازه نده (لَا + تَسْمَحِينَ) ← لَا تَسْمَحِينَ (نهی))

۴. منع نکنید (لَا + تَمْنَعُونَ) ← لَا تَمْنَعُوا (نهی))

۵. هم‌نشینی نکنید (لَا + تُجَالِسُونَ) ← لَا تُجَالِسُوا (نهی))

۶. خودداری نکنید (لَا + تَمْنَعُونَ) ← لَا تَمْنَعُوا (نهی))

۷. یاد نکن (لَا + تَذَكَّرُ) ← لَا تَذَكَّرُ (نهی))

۸. نفرستید (لَا + تُرْسِلُونَ) ← لَا تُرْسِلُوا (نهی))

۹. نزدیک نشوید (لَا + تَتَقَرَّبُونَ) ← لَا تَتَقَرَّبُوا (نهی))

۱۰. کمک نکن (لَا + تُسَاعِدِينَ) ← لَا تُسَاعِدِي (نهی))

۱۱. جابه‌جا نشوید (لَا + تَنْتَقِلُونَ) ← لَا تَنْتَقِلُوا (نهی))

۱۲. سخن نگویید (لَا + تَتَكَلَّمُونَ) ← لَا تَتَكَلَّمُوا (نهی))

۱۳. نفرست (لَا + تُرْسِلْ) ← لَا تُرْسِلْ (نهی))

۱۴. یاری نجوید (لَا + تَسْتَعِينُونَ) ← لَا تَسْتَعِينُوا (نهی))

۱۵. رفتار نکن (لَا + تُعَامِلْ) ← لَا تُعَامِلْ (نهی))

۱۶. گزینه «۱»: سست نشوید (لَا + تَهْنُونَ) ← لَا تَهْنُوا (نهی))

۱۷. نبرد (لَا + تَقْطَعُونَ) ← لَا تَقْطَعُوا (نهی))

مستقبل



• به فعلی گفته می‌شود که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با اضافه شدن حرف «سَ / سَوْفَ» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود.

سَ / سَوْفَ + فعل مضارع ← مستقبل

• در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواه...» استفاده می‌کنیم.

➡ سَيُخْرِجُ ترجمه خارج خواهد شد.

➡ سَوْفَ نَزِجُ ترجمه باز خواهیم گشت.

• فعل مستقبل با آمدن حرف «لَنْ» بر سر فعل مضارع، منفی می‌شود.

➡ لَنْ أَجْلِسَ ← لَنْ أَجْلِسَ

لَنْ + فعل مضارع ← مستقبل منفی

• در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواه...» استفاده می‌کنیم.

➡ لَنْ تَذْهَبَ ترجمه نخواهی رفت، نخواهد رفت

➡ لَنْ تَعْلَمُوا ترجمه نخواهید دانست

مضارع التزامی

۱۷

تکرار

- فعلی است که بروقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ... دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.
- در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می‌آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (ب + بن فعل + شناسه ← یَرْوُم، یَرْوِی، یَرْوَد و ...)

۱ آن (که) / کی، ی، لکی، حتی (تا، برای این که)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

إِنَّمَا يَصِلُ بِصَدِيقِهِ لِكَيْ يُصَلِّحَ سَيِّئَاتِهِمْ.	با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند. مضارع التزامی
أَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُنَبِّئُوا الصِّرَاطَ	پیامبران را بر آنان فرستاد تا راه درست و دین حق را آشکار کنند. مضارع التزامی

۲ اِنْ (اگر)، مَنْ (هرکس)، مَا (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر، چنان چه)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

(ساختار شماره ۲) مربوط همیشه به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که فعل شرط طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ النَّفْلَةِ أَنْبَأَتْ لَهَا جَنَاحَيْنِ.	هرگاه خداوند نابودی مورچه را بخواهد، برایش دو بال می‌رواند. مضارع اخباری
إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ	اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. مضارع اخباری

۳ اِلا (اما) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی

- لا یُرْسِلُ ← لیرسل (باید بفرستد)
- لا نَنْتَقِمُ ← لننتقم (باید انتقام بگیریم)
- گاهی حروف ربطی مانند «و، ف، ثُمَّ» قبل از «ل» می‌آیند و آن را [لام امر] ساکن می‌کنند.

وَلَنَذَذُرْكُمْ مِثْلَ مَا أَهْلًا بِهِمُ الْخَلِيلَ	و باید یاد کنیم.
---	------------------

۴ (لا نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی

- لا یَنْتَقِلُ ← لا ینتقل (نبايد جابه‌جا شود)
- لا یَذْهَبُوا ← لا یذهبوا (نبايد بروند)

۵. هم‌نشینی نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُجَالِسُ) ← لَنْ يُجَالِسَ ← مستقبل منفی)

۶. به یاد خواهند آورد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)

۷. کمک نخواهم کرد

(لَنْ + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← لَنْ أُسَاعِدَ ← مستقبل منفی)

۸. جابه‌جا خواهند شد (سَ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُونَ) ← مستقبل)

۹. بازنشسته خواهید شد (سَ + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُونَ) ← مستقبل)

۱۰. خودداری نخواهیم کرد

(لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ ← مستقبل منفی)

۱۱. به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (نَتَذَكَّرُ) ← مستقبل)

۱۲. تلاش نخواهند کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ) ← لَنْ يَجْتَهِدُوا ← مستقبل منفی)

۱۳. به یاد خواهند آورد (سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرَانِ) ← مستقبل)

۱۴. به یاد خواهند آورد (سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُونَ) ← مستقبل)

۱۵. به یاد نخواهد آورد

(لَنْ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← لَنْ يَتَذَكَّرَ ← مستقبل منفی)

۱۶. ارزان نخواهد شد

(لَنْ + فعل مضارع (يَرْخُصُ) ← لَنْ يَرْخُصَ ← مستقبل منفی)

۱۷. نخواهید فرستاد

(لَنْ + فعل مضارع (تُرْسِلُونَ) ← لَنْ تُرْسِلُوا ← مستقبل منفی)

۱۸. تلاش نخواهد کرد، تلاش نخواهی کرد

(لَنْ + فعل مضارع (تَجْتَهِدُ) ← لَنْ تَجْتَهِدَ ← مستقبل منفی)

۱۹. عبادت خواهند کرد (سَ + فعل مضارع (يَعْبُدُونَ) ← مستقبل)

۲۰. کمک نخواهند کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← لَنْ يُسَاعِدُوا ← مستقبل منفی)

۲۱. نامه‌نگاری نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يَتَكَاثَبُ) ← لَنْ يَتَكَاثَبَ ← مستقبل منفی)

۲۲. جابه‌جا نخواهد شد

(لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← لَنْ يَنْتَقِلَ ← مستقبل منفی)

۲۳. نزدیک نخواهیم شد

(لَنْ + فعل مضارع (نَتَقَرَّبُ) ← لَنْ نَتَقَرَّبَ ← مستقبل منفی)

۲۴. موفق خواهد شد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَنْجَحُ) ← مستقبل)

۲۵. مشاهده نخواهد کرد

(لَنْ + فعل مضارع (يُشَاهِدُ) ← لَنْ يُشَاهِدَ ← مستقبل منفی)

۲۶. یاد نخواهد داد

(لَنْ + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← لَنْ يُعَلِّمَ ← مستقبل منفی)

۲۷. نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل)

۴. نباید بازی کند (لا (نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لا يَلْعَبُ ←
(نبايد + مضارع التزامی)
۵. سخن بگویم
(أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلَّمُ) ← أَنْ أَتَكَلَّمُ ← مضارع التزامی)
۶. باید گرمی بداریم (إِ (امر) + فعل متکلم (نُكْرِمُ) ← لِنُكْرِمُ ←
(باید + مضارع التزامی)
۷. نباید بنویسند (لا (نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لا يَكْتُبُوا ←
(نبايد + مضارع التزامی)
۸. سخن بگوید («مَنْ: هرکس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط
است ← مضارع التزامی)
۹. آمرزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ←
(مضارع التزامی)
۱۰. باید رفتار کنیم (إِ (امر) + فعل متکلم (نُعَامِلُ) ← لِنُعَامِلُ ← باید +
(مضارع التزامی)
۱۱. نباید به یاد آورند (لا (نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرَانِ) ← لَا يَتَذَكَّرَا ←
(نبايد + مضارع التزامی)
۱۲. باید تلاش کنیم (إِ (امر) + فعل متکلم (نَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدُ ←
(باید + مضارع التزامی)
۱۳. تا کمک کند (لِکَيَّ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِكَيَّ يُسَاعِدَ ←
(مضارع التزامی)
۱۴. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی)
۱۵. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← مضارع التزامی)
۱۶. رفتار کنند (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ←
(مضارع التزامی)
۱۷. خودداری کنیم (أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ←
(مضارع التزامی)

• هرگاه حرف «قَدْ» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

قَدْ + مضارع ← گاهی / شاید

- قَدْ + اَلْعَبُ ترجمه ← گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم
• در ترجمه فعل مضارع همراه با «قَدْ» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَدْ أَذْهَبَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِيَجُوهَا الْمُعْتَدِل.

گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم. / شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.

لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

ای کاش قوم من بدانند.

لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

شاید آن‌ها خردورزی کنند.

لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)

به دانش‌آموزی افتخار می‌کنم که در کسب فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد)

أَفْتَحِرُ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي مَضَارِعِ اِكْتِسَابِ الْفَضَائِلِ الْأَخْلَاقِيَّةِ.

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

- سَاعَدَ (کمک کرد) ← لا تُسَاعِدِ الظَّالِمِينَ. (خرداد ۱۴۰۴)
- سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَبْنَاءُ لِيُسَاعِدُوا آبَاءَهُمْ. (خرداد ۱۴۰۴)
- ذَكَرَ (یاد کرد) ← «... إِنْ تَذَكَّرُونِي أَذْكُرْكُمْ ...» (خرداد ۱۴۰۴)
- لَعِبَ (بازی کرد) ← لا يَلْعَبِ الطِّفْلُ فِي الشَّارِعِ. (دی ۱۴۰۲)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← أَحِبُّ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
- أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← لِنُكْرِمِ وَالِدَيْنَا. (خرداد ۱۴۰۲)
- كَتَبَ (نوشت) ← الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. (دی ۱۴۰۱)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ يَخْسِرُ. (خرداد ۹۸)
- إِسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
- يُعَامِلُ (رفتار می‌کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا يَتَذَكَّرَا. (خرداد خارج ۹۸)
- اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. (خرداد ۹۹)
- سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِكَيَّ يُسَاعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)
- سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَيْتَهُ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
- ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذْكُرُ. (دی ۹۷)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

- نبايد کمک کنیم (لا (نهی) + فعل متکلم (نُسَاعِدُ) ← لا نُسَاعِدُ ←
(نبايد + مضارع التزامی)
- باید کمک کنند (إِ (امر) + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا ←
(باید + مضارع التزامی)
- یاد کنید («إِنْ: اگر» ← حرف شرط / تَذَكَّرُوا» فعل شرط است ←
(مضارع التزامی)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. صَعَدَ (بالا رفت) ← الطَّفْلَانِ قَدْ يَصْعَدَانِ الصُّفا. (خرداد ۱۴۰۴)
۲. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← قَدْ يَتَعَلَّمُ الْإِنْسَانُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← الطَّلَّابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۲)
۴. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَدْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
۵. كَاتَبَ: (نامه نگاری کرد) ← قَدْ يُكَاتِبُ. (دی خارج ۹۹)
۶. سَاعَدَ (کمک کن) ← قَدْ يُسَاعِدُنِ وَالِدَيْهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۷. ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَدْ يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)
۸. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)
۹. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَدْ يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۰. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← قَدْ يُشَجِّعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

إنتخب الصحيح في الترجمة:

۱۱. قَدْ يَكْتُبُ الْكُتُوبَ تَمَارِينَ الدَّرْسِ. (مرداد ۱۴۰۳)
- ۱) تنبل، تمرین های درس را نوشته است.
- ۲) تنبل، تمرین های درس را گاهی می نویسد.
۱۲. قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ. (خرداد خارج ۹۸)
- ۱) یاد کرده است
- ۲) گاهی یاد خواهد کرد
- ۳) گاهی یاد می کند

پاسخ سؤالات

۱. گاهی بالا می روند، شاید بالا بروند (قَدْ + فعل مضارع (يَصْعَدَانِ))
۲. گاهی یاد می گیرد، شاید یاد بگیرد (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُ))
۳. گاهی تلاش می کنند، شاید تلاش کنند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ))
۴. گاهی یاد می گیرند، شاید یاد بگیرند (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))
۵. گاهی نامه نگاری می کند، شاید نامه نگاری کند (قَدْ + فعل مضارع (يُكَاتِبُ))
۶. گاهی کمک می کنند، شاید کمک کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُنِ))
۷. گاهی یاد می کند، شاید یاد کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
۸. گاهی تلاش می کند، شاید تلاش کند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ))
۹. گاهی سخن می گوید، شاید سخن بگوید (قَدْ + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))
۱۰. گاهی تشویق می کند، شاید تشویق کند (قَدْ + فعل مضارع (يُشَجِّعُ))
۱۱. گزینه ۲: «گاهی می نویسد» (قَدْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ))
۱۲. گزینه ۳: «گاهی یاد می کند» (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ))

- فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می دهیم.

✐ اِجْلِسْ: بنشین / اَدْخُلُوا: داخل شوید / اُزْسِلَا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می آوریم و سپس فعل های دارای «ه» در انتهای فعل به ساکن ـ و فعل هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف میشه به جز نون جمع مؤنث، دقت کنین این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل های ثلاثی مزید در باب های «اِشْتَفَعَال، اِنْفَعَال، اِفْعَال، اِغْفَال» هست.

یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. اگه ضمه بود میشه ضمه (ُ) و اگر کسره بود همون «ـِ» ولی اگه فتحه بود میشه ـِ (کسره) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «اِفْعَال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل میشه. پس همزه فعل امر در باب «اِفْعَال» همیشه مفتوح (ـِ) هست.

﴿... اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ...﴾

(فعل امر از «تَرْجِعِينَ»)

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾

(فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)

به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «اِشْتَفَعَال، اِنْفَعَال، اِفْعَال» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم).

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِشْتَفَعَال	اِسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست)	يَسْتَعْفِرُ (آمرزش می خواهد)	اِسْتِغْفَار (آمرزش خواستن)	اِسْتَعْفِرْ (آمرزش بخواه)
اِفْتِعَال	اِمْتَنَعَ (خودداری کرد)	يَمْتَنِعُ (خودداری می کند)	اِفْتِنَاع (خودداری کردن)	اِمْتَنِعْ (خودداری کن)
اِنْفَعَال	اِنْسَحَبَ (عقب نشینی کرد)	يُنْسَحِبُ (عقب نشینی می کند)	اِنْسِحَاب (عقب نشینی کردن)	اِنْسَحِبْ (عقب نشینی کن)
اِفْعَال	اَجْلَسَ (نشاندن)	يُجْلِسُ (می نشاند)	اِجْلَاس (نشاندن)	اَجْلِسْ (بنشان)

به فعل های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـِ) و در امر، کسره (ـِ) است.

﴿... اِجْتَهِدُوا﴾

(خرداد ۱۴۰۰)

لطفاً تلاش کنید.

(فعل امر از «تَجْتَهِدُونَ»)

«اِجْتَهِدُوا» فعل امر (حرکت عین الفعل «کسره» هست.) و از باب «اِفْتِعَال» است و نباید آن را با ماضی «اِجْتَهَدُوا» اشتباه بگیرید.

(دی ۹۹)

۱۶. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسَلَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۱۷. أَنْقَذَ (نجات داد) ← رَجَاءٌ أَنْقَذُوا الطِّفْلَ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۱۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← مِنْ فَضْلِكَ، اِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ.

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۹. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← «و اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← اِعْمَلُوا.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← اُذْكُرُوا رَبَّكُمْ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۲۲. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهِدُوا.

پاسخ سؤالات

۱. «قَيِّدُوا: به بند آورید» فعل امر از باب «تفعیل» است. (قَيِّدُوا: به بند آوردند، فعل ماضی است.)

۲. «أَنْظُرُوا: نگاه کنید» (فعل امر از صیغه «تَنْظُرُونَ» است.)

۳. «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (دقت کنید فعل «تَكَلَّمُوا: سخن گفتند» می‌تواند ماضی هم باشد اما در این‌جا با توجه به کلمه «رَجَاءٌ» به معنای «لطفاً» که بر درخواست کار دلالت دارد، ترجمه فعل به صورت امر درست است.)

۴. «اُكْرِمُوا» فعل امر از باب «إفعال» و به معنای «گرامی بدارید» است. «اُكْرِمُوا»: گرامی داشتند، فعل ماضی است.)

۵. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعُّل» است. (دقت کنید «تَعَلَّمُوا» می‌تونه ماضی هم باشه: فر گرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءٌ: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می‌دهد، این فعل در معنای امر است.)

۶. «اِنتَقِلُوا: جابه‌جا شوید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد). و نباید آن را با «اِنتَقَلُوا: جابه‌جا شدند» که ماضی است، اشتباه گرفت.

۷. «اسْتَغْفِرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَغْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.

۸. «كَاتَبُوا: نامه‌نگاری کردند» فعل ماضی است (عین‌الفعل آن فتنه دارد) و نباید آن را با فعل امر «كَاتَبُوا: نامه‌نگاری کنید» اشتباه گرفت.

۹. «شَاهِدُوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین‌الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شَاهَدُوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.

۱۰. «الْإِجْتِهَاد» مصدر باب «إِفْعَال» و به معنای «تلاش کردن» است.

۱۱. «الْإِمْتِنَاع» مصدر باب «إِفْعَال» و به معنای «خودداری کردن» است.

۱۲. «الْمُعَامَلَة» مصدر باب «مُفَاعَلَة» و به معنای «رفتار کردن» است.

۱۳. «سَاعَدَ: کمک کن» فعل امر است.

۱۴. «مُجَالَسَة» مصدر باب «مُفَاعَلَة» و به معنای «هم‌نشینی کردن» است.

۱۵. «أَرْسَلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «بفرستید» است.

(أَرْسَلُوا: فرستادند، فعل ماضی است.)

۱۶. «أَرْسَلَ» فعل امر از باب «إِفْعَال» به معنای «بفرست» است.

حالا به ساخت فعل امر باب‌های «مُفَاعَلَة، تَفَاعُل، تَفَعُّل، تَفَعَّل» دقت کنید. (هنگام امر این فعل‌ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می‌کنیم به راحتی می‌توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.)

تَعْلَمُونَ امی عَلِمُوا (یاد دهید)

تُجَاهِدُ امی جَاهِدْ (مبارزه کن)

به وزن‌های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب‌های «مُفَاعَلَة، تَفَاعُل، تَفَعُّل» دقت کنید تا آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفَاعَلَة	تَفَاعُل	تَفَعُّل	تَفَعَّل
ماضی	كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)	تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)	عَلَّمَ (یاد داد)	تَذَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه‌نگاری می‌کند)	يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می‌شود)	يُعَلِّمُ (یاد می‌دهد)	يَتَذَكَّرُ (به یاد می‌آورد)
مصدر	مُكَاتَبَة (نامه‌نگاری کردن)	تَقَاعُد (بازنشسته شدن)	تَعْلِيم (یاد دادن)	تَذَكُّر (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه‌نگاری کن)	تَقَاعِدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَذَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر دقت کنید.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. قَيَّدَ (به بند آورد) ← رَجَاءٌ قَيَّدُوا الْعِلْمَ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. نَظَرَ (نگاه کرد) ← أَنْظُرُوا إِلَى مَا قَالَ. (خرداد ۱۴۰۳)
۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← رَجَاءٌ، تَكَلَّمُوا بِهَدْوٍ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۴. اُكْرِمَ (گرامی داشت) ← اُكْرِمُوا الشَّهْدَاءَ. (خرداد ۱۴۰۲)
۵. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← رَجَاءٌ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
۶. يَا رَجُلُ، رَجَاءٌ اِنتَقِلُوا. (دی ۹۸)
۷. أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِكُمْ. (خرداد ۹۸)
۸. كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۹. شَاهَدَ (دید) ← رَجَاءٌ شَاهَدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۰. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← الْإِجْتِهَاد. (خرداد ۹۹)
۱۱. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الْإِمْتِنَاع. (خرداد ۹۹ - آذر ۱۴۰۱)
۱۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← الْمُعَامَلَة. (شهریور ۹۹)
۱۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ، سَاعَدْنِي. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۴. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← مُجَالَسَة الصَّالِحِينَ مُفِيدَة. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۵. أَرْسَلَ (فرستاد) ← أَرْسَلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)

۳. باید گوش فرا بدهد (ل + فعل مضارع غایب (یُسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۴. باید رفتار کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نُعَامِلُ) ← لِنُعَامِلَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۵. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۶. باید به یاد بیاورد (ل + فعل مضارع غایب (يَتَذَكَّرُ) ← لِيَتَذَكَّرَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۷. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب (يَجْتَهِدُ) ← لِيَجْتَهِدَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۸. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَمْتَنِعُ) ← لِنَمْتَنِعَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۹. باید موفق شود (ل + فعل مضارع غایب (يَنْجَحُ) ← لِيَنْجَحَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۱۰. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيُسَاعِدَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۱۱. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۱۷. «أَنْقَذُوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» به معنای «نجات دهید» است. (أَنْقَذُوا: نجات دادند، ماضی است.)
۱۸. «إِمْتَنِعْ» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «خودداری کن» است.
۱۹. «اسْتَعِينُوا» فعل امر از باب «اسْتِفْعَال» و به معنای «یاری بجوید» است.
۲۰. «اعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.
۲۱. «ادْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.
۲۲. «اجْتَهِدُوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «تلاش کنید» است. (اجْتَهِدُوا: تلاش کردند، ماضی است.)



ساخت فعل امر از صیغه‌های غایب و متکلم:

• حرف (ل: باید) بر سر فعل‌های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می‌رود. (دقت کنید که «ل» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می‌کند و نون دارها، نونشون حذف می‌شود به جز نون جمع مؤنث.)

لِيَجْزِجَ ← باید برگردد (ل + فعل مضارع غایب)

لَايُجِثَّ ← باید جست و جو کنیم (ل + فعل مضارع متکلم)

این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می‌شود:

باید + مضارع التزامی

- فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَكَلُ الطِّفْلِ طَعَامَهُ.
فعل فاعل معلوم
کودک غذایش را خورد.

- تشخیص فعل ← حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)
- ماضی مجهول ← حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ـُ)

كَتَبَ مجهول ← كُتِبَ (نوشته شد)

اِكْتَسَبَ مجهول ← اُكْتُسِبَ (به‌دست آورده شد)

- تشخیص فعل مضارع مجهول ← حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)
- حرف مضارعه: ضمه (ـُ)

يَكْتُبُ مجهول ← يُكْتُبُ (نوشته می‌شود)

- در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می‌کنیم.

نُصِبَ لَهُ مِئْبَرٌ
ماضی مجهول
منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

- در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می‌شود» و مشتقات آن استفاده می‌کنیم.

عِنْدَ الشَّدَائِدِ يُعْرِفُ الْإِخْوَانُ.
مضارع مجهول
هنگام سختی‌ها، برادران شناخته می‌شوند.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. عَلِمَ (دانست) ← الْعَبْدُ لِيَعْلَمَ عَظْمَةَ الْخَالِقِ. (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۲. نَظَرَ (نگاه کرد) ← فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (خرداد ۱۴۰۳)
۳. اسْتَمَعَ (گوش فرا داد) ← لِيَسْتَمِعْ كُلُّ طَالِبٍ إِلَى كَلَامِ مُعَلِّمِهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۴. يُعَامِلُ (رفتار می‌کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ. (دی ۱۴۰۱)
۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لِيَتَذَكَّرَ دَرَسَهُ. (دی ۱۴۰۰)
۷. اجْتَهِدَ (تلاش کرد) ← لِيَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۸. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لِنَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)
۹. نَجَحَ (موفق شد) ← لِيَنْجَحَ. (شهریور ۹۸)
۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِيُسَاعِدَ. (شهریور ۹۹)
۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِيُرْسِلَ. (دی ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. باید بداند (ل + فعل مضارع غایب (يَعْلَمُ) ← لِيَعْلَمَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۲. باید نگاه کند (ل + فعل مضارع غایب (يُنْظَرُ) ← لِيُنْظَرْ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

لا تَخْزَنِي (غمگین نشو)

«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ی» مفعول ترجمه نمی شود؛ بلکه فاعل هست.

یا أُخْتِي الْكَرِيمَةَ أَحْسَنِي ای خواهر بخشنده ام به بیچارگان
إِلَى الْمَسَاكِينِ. نیکی کن.

فعل «أَحْسَنِي» امر از «تُحْسِنِينَ» می باشد و ریشه فعل «حَسَنَ» هست، پس «نون» جزو ریشه اصلی فعله و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ی» ضمیر متصل فاعلی هست.

لا يَخْزَنِي (مرا غمگین نمی کند)

«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است و «مرا» ترجمه می شود.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطَّلَبُ سَاعَدُونِي. (دی ۱۴۰۱)
۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامِلُنِي. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۳. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظَنِي إِيْمَانِي. (خرداد ۹۹)
۴. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← تَذَكَّرْتَنِي جَدَّتِي. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعِدُنِي. (دی خارج ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعِدُونِي. (خرداد خارج ۹۸)
۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ سَاعِدُونِي. (دی خارج ۹۸ - تیر ۹۸)

پاسخ سؤالات

۱. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۲. با من رفتار کن (عَامِلُ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۳. مرا حفظ کرده است (قَدْ حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۴. مرا یاد کرد (تَذَكَّرْتُ (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۵. به من کمک کن (سَاعِدْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۶. به من کمک کنید (سَاعِدُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۷. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← هُمْ قَدْ ذَكَّرُوا بِالْخَيْرِ. (خرداد ۱۴۰۴)
۲. مَنَعَ (منع کرد) ← مَا مَنَعَ الْمَرِيضَ عَنِ الْأَكْلِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۳. سَأَلَ (سؤال کرد) ← سِئِلَ الْمُدِيرُ: أ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ (خرداد ۱۴۰۲)
۴. غَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُغْفَرُ الْمُخْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)
۵. خَلَقَ (آفرید) ← خَلَقَ. (دی ۹۹)
۶. قَطَعَ (برید) ← مَا قُطِعَ رَجَائِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
۷. غَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُغْفَرُ. (آذر ۱۴۰۱)
۸. «نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ نَزِيلًا» (۱) فرود آورده شدند (۲) فرود آورده می شوند (۳) فرود آمدند (خرداد ۹۹)

پاسخ سؤالات

۱. یاد شده اند («قَدْ ذَكَّرُوا» فعل ماضی نقلی مجهول است.)
۲. منع نشد («مَا مَنَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۳. سؤال شد («سِئِلَ»: فعل ماضی مجهول است.)
۴. آمرزیده نمی شود («لَا يُغْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۵. آفریده شد («خَلَقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۶. بریده نشد («مَا قُطِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۷. آمرزیده نمی شود («لَا يُغْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۸. گزینه «۱»: فرود آورده شدند («نَزَلَ» فعل ماضی مجهول است.)

نون
وقایه

- هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ی» متصل شود میان نشان «نون» می آید که به آن «وقایه» گفته می شود.
- أَخَذَ + ن (وقایه) + ي ← أَخَذَنِي (مرا بُرد)
- ضمیر متصل «ی» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می شود.
- أُرْشِدُنِي ← مرا راهنمایی کن.

فعل + ن + ي

ماضی / مضارع / امر + ن + ي

← ترجمه ضمیر «ی» (به من، مرا)

فعل هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن هاست مانند «يَحْزُنُ، سَكَنَ، يَفَنَ، حَسَنَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

قسمت

تمارین کتاب درسی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | التَّمرینُ الْخامِسُ

الف) رَجَاءٌ، أَكْتُبَنَّ خَلَّ الْأَسْئَلَةَ مَعَ زَمِيلَاتِكُنَّ.	۱) لطفاً حلّ پرسش‌ها را با هم‌کلاسی‌هایتان بنویسید.
ب) إِنْ تَكْتُبَ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضَيِّحُ خَطَّكَ قَبِيحاً.	۲) اگر با عجله بنویسی خطت زشت خواهد شد.
ج) أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذِّكْرِيَّاتِ.	۳) می‌خواهم [که] خاطره‌ای در دفترِ خاطرات بنویسم.
د) لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.	۴) [انسان] خردمند، روی آثارِ تاریخی نخواهد نوشت.
هـ) إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.	۵) قطعاً او اندیشه‌هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
و) عِنْدَمَا شَاهَدْتُهِ كَانَ يَكْتُبُ تَمَرِينَهُ.	۶) هنگامی‌که او را دیدم، تمرینش را می‌نوشت.
ز) قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.	۷) تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد (شاید بنویسد).
ح) يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟	۸) ای دانش‌آموزان، چرا ترجمه را نمی‌نویسید؟
ط) رَجَاءٌ، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ.	۹) لطفاً روی جلدِ کتاب ننویسید.
ی) هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لِصَدِيقَتِهَا.	۱۰) او نامه‌ای به دوستش نوشته است.
ک) لِنَكْتُبَ جُمْلَةً جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا.	۱۱) در دفترهایمان جمله‌هایی زیبا باید بنویسیم.
ل) أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ.	۱۲) من دیروز تکلیف‌هایم را ننوشتم (ننوشته‌ام).
م) مَا كَتَبْنَا شَيْئاً عَلَى الْجِدَارِ.	۱۳) روی دیوار چیزی ننوشتیم.
ن) كُتِبَ حَدِيثٌ عَلَى اللَّوْحِ.	۱۴) حدیثی روی تخته نوشته شد.
س) كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجَوِبَةَ.	۱۵) جواب‌ها را می‌نوشتند.
ع) كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرَسَهُمْ.	۱۶) درسشان را نوشته بودند.
ف) يَكْتُبُ نَصٌّ قَصِيرٌ.	۱۷) متنی کوتاه نوشته می‌شود.

نکات ترجمه

۱) «أَكْتُبَنَّ» فعل امر از «تَكْتُبَنَّ» است.	۹) «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُوا) ← نهی
۲) «إِنْ: اگر» ← اادات شرط / «تَكْتُبَ» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود.	۱۰) قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْتَ) ← ماضی نقلی
۳) أَنْ + فعل مضارع (أَكْتُبَ) ← مضارع التزامی	۱۱) لَا (امر) + فعل متکلم (نَكْتُبُ) ← لِنَكْتُبَ ← باید + مضارع التزامی
۴) لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← لَنْ يَكْتُبَ ← (مستقبل منفی)	۱۲) لَمْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← لَمْ أَكْتُبَ ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۵) سَوْفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل	۱۳) مَا + فعل ماضی (كَتَبْنَا) ← ماضی منفی
۶) كَانَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← ماضی استمراری	۱۴) «كُنْتُ» بر وزن «فُعِلَ» فعل ماضی مجهول است.
۷) قَدْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.	۱۵) كَانُوا + فعل مضارع (يَكْتُبُونَ) ← ماضی استمراری
۸) «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُونَ) ← مضارع منفی	۱۶) كَانُوا + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبُوا) ← ماضی بعید
	۱۷) «يُكْتُبُ» بر وزن «يُفْعَلُ» فعل مضارع مجهول است.

الدَّرْسُ الثَّانِي | التَّمرِينُ الْخَامِسُ

الف) كَتَبَ: نوشت	۱ قَدْ كُتِبَ التَّمرِينُ: تمرین نوشته شد. ۲ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ چرا درست را نمی نویسی؟ ۳ أَنْتِ لَمْ تَكْتُبِي شَيْئًا: تو چیزی را ننوشتی (تو ننوشته ای)
ب) تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد	۴ الصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند. ۵ رَجَاءٌ تَكَاتَبَا: لطفًا با یکدیگر نامه نگاری کنید. ۶ تَكَاتَبَ الزَّمِيلَانِ: دو همکلاسی با یکدیگر نامه نگاری کردند.
ج) مَنَعَ: بازداشت، منع کرد	۷ مُنِعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ الشَّكْرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم. ۸ لَا تَمْنَعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ: ما را از بیرون رفتن منع نکن (باز ندار).
د) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد	۹ لَنْ تَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از بیرون رفتن خودداری نخواهیم کرد. ۱۰ لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ: از خوردن خودداری نکنید. ۱۱ كَانَ الْحَارِشُ قَدْ اِمْتَنَعَ عَنِ الثَّوْمِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.
هـ) عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد	۱۲ لِمَ مَا عَمِلْتُمْ بِوَأَجِبَاتِكُمْ؟ چرا به وظایفان عمل نکردید؟ ۱۳ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟
و) عَامَلَ: رفتار کرد	۱۴ إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ! خدایا! با بخشش خود با ما رفتار کن. ۱۵ إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ! خدایا! با دادگری ات با ما رفتار نکن. ۱۶ كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا: به خوبی با ما رفتار می کردند.
ز) ذَكَرَ: یاد کرد	۱۷ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است. (یاد کرد) ۱۸ ذُكِرَتْ بِالْخَيْرِ: به نیکی یاد شدی. ۱۹ قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: گاهی استاد دانش آموزان قدیمش را یاد می کند. (شاید ... یاد بکند)
ح) تَذَكَّرَ: به یاد آورد	۲۰ جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: پدر بزرگ و مادر بزرگ مرا به یاد آوردند. ۲۱ سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدَرِّسُ: معلم ما را به یاد خواهد آورد. ۲۲ لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: همکلاسی ام، تو را به یاد نمی آورم.

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی مجهول (كُتِبَ) ← ماضی نقلی مجهول	۱۲ ما + فعل ماضی (عَمِلْتُمْ) ← ماضی منفی
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَكْتُبِينَ) ← مضارع منفی	۱۳ «تَعْمَلُونَ» فعل مضارع جمع مذکر مخاطب است.
۳ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبِي) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۱۴ «عَامِلٌ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَة» است.
۴ «تَكَاتَبَا» فعل ماضی از باب «تَفَاعُل» است.	۱۵ «لا» ی نفی + فعل تغییر یافته مضارع (تُعَامِلُ) ← نفی
۵ «تَكَاتَبَا» فعل امر از باب «تَفَاعُل» است.	۱۶ كَانُوا + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← ماضی استمراری
۶ «تَكَاتَبَ» فعل ماضی از باب «تَفَاعُل» است.	۱۷ قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده
۷ «مُنِعْتُ» فعل ماضی مجهول است.	۱۸ «ذُكِرَتْ» فعل ماضی مجهول است.
۸ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْنَعُ) ← نفی	۱۹ قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می شود.
۹ لَنْ + فعل مضارع (تَمْتَنِعُ) ← مستقبل منفی	۲۰ فعل ماضی از باب «تَفَعَّل» + ن (وَقَايَه) + ضمیر متصل «ی»
۱۰ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُوا) ← نفی	۲۱ تَسَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل
۱۱ كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید	۲۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی

الدَّرْسُ الثَّالِثُ | التَّمْرِينُ السَّادِسُ

الف) عَلِمَ: دانست	۱ سَيَعْلَمُونَ: خواهند دانست
ب) اِنْتَقَلَ: جابه جا شد	۲ لَا يَنْتَقِلُ: جابه جا نمی شود ۳ رَجَاءً، اِنْتَقِلُوا: لطفاً جابه جا شوید ۴ لَنْ يَنْتَقِلَ: جابه جا نخواهد شد
ج) أَرْسَلَ: فرستاد	۵ لَا تُرْسِلُ: نفرست ۶ أُرْسِلُ: بفرست
د) عَبَدَ: پرستید	۷ أُعْبَدُونِي: مرا پرستید
هـ) سَاعَدَ: کمک کرد	۸ رَجَاءً، سَاعِدُونِي: لطفاً به من کمک کنید ۹ هُمْ سَاعِدُونِي: آنها به من کمک کردند
و) طَبَخَ: پخت	۱۰ طَبَخَ: پخته شد
ز) تَكَلَّمَ: سخن گفت	۱۱ اَلتَّكَلُّمُ: سخن گفتن ۱۲ تَتَكَلَّمُ: سخن می گویم ۱۳ تَكَلَّمْنَا: سخن گفتیم

نکات ترجمه

۱ س + فعل مضارع (يَعْلَمُونَ) ← مستقبل
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مضارع منفی
۳ فعل امر از باب «إِفْتِعَال» ← صيغهُ جمع مذکر مخاطب
۴ لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلَ) ← مستقبل منفی
۵ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی
۶ فعل امر از باب «إِفْعَال» صيغهُ مفرد مذکر مخاطب
۷ فعل امر (أُعْبَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ي»
۸ فعل امر (سَاعِدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ي»
۹ فعل ماضی (سَاعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ي»
۱۰ فعل ماضی مجهول
۱۱ مصدر باب «تَفَعُّل»
۱۲ فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «تَفَعُّل»
۱۳ فعل ماضی، متکلم مع الغیر باب «تَفَعُّل»

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّحْرِيقُ الثَّالِثُ

١ مضارع تَذَكَّرَ (به یاد آورد):	يَذْكُرُ	يَتَذَكَّرُ
٢ مصدر عَلَّمَ (یاد داد):	تَعْلَمُ	عَلِمَ
٣ ماضی مُجَالَسَة (همنشینی کردن):	جَالَسَ	أَجْلَسَ
٤ مصدر انْقَطَعَ (بریده شد):	تَقَاعَ	انْقَطَعَ
٥ امر تَقَرَّبَ (نزدیک شد):	اقْتَرِبْ	تَقَرَّبْ
٦ مضارع تَقَاعَدَ (بازنشست شد):	يَقْتَعِدُ	يَتَقَاعَدُ
٧ امر تَمَنَّعَ (خودداری می کنی):	امْتَنِعْ	امْنَعْ
٨ ماضی يَسْتَخْرِجُ (خارج می کند):	اِسْتَخْرَجَ	أَخْرَجَ
٩ وزن اِسْتَمَعَ:	اِسْتَفْعَلَ	اِسْتَمْعَلَ
١٠ وزن اِنْتَظَرَ:	اِنْفَعَلَ	اِنْتَظَرَ

پاسخ

- | | |
|---|-------------------------------|
| ١ تَذَكَّرَ ماضی باب «تَفْعَلُ» است و مضارع آن بر وزن «يَتَفَعَّلُ» و به صورت «يَتَذَكَّرُ» می آید. | ✓ يَتَذَكَّرُ: به یاد می آورد |
| ٢ عَلَّمَ ماضی باب «تَفْعِيلُ» بوده و مصدر آن بر وزن «تَفْعِيلُ» و به صورت «تَعْلِيمُ» می آید. | ✓ تَعْلِيمُ: یاد دادن |
| ٣ مُجَالَسَة مصدر باب «مُفَاعَلَة» بوده و ماضی آن بر وزن «فَاعَلَ» و به صورت «جَالَسَ» می آید. | ✓ جَالَسَ: همنشینی کرد |
| ٤ انْقَطَعَ ماضی باب «اِنْفِعَالُ» بوده و مصدر آن به صورت «اِنْقِطَاعُ» است. | ✓ اِنْقِطَاعُ: بریده شدن |
| ٥ تَقَرَّبَ ماضی باب «تَفْعُلُ» بوده و امر آن بر وزن «تَفَعَّلُ» و به صورت «تَقَرَّبْ» می آید. | ✓ تَقَرَّبْ: نزدیک شو |
| ٦ تَقَاعَدَ ماضی باب «تَفَاعُلُ» بوده و مضارع آن بر وزن «يَتَفَاعَلُ» و به صورت «يَتَقَاعَدُ» است. | ✓ يَتَقَاعَدُ: بازنشست می شود |
| ٧ تَمَنَّعَ مضارع باب «اِفْتِعَالُ» بوده و امر آن بر وزن «اِفْتَعَلَ» و به صورت «امْتَنِعْ» می آید. | ✓ اِمْتَنِعْ: خودداری کن |
| ٨ يَسْتَخْرِجُ مضارع باب «اِسْتِفْعَالُ» بوده و ماضی آن به صورت «اِسْتَخْرَجَ» می آید. | ✓ اِسْتَخْرَجَ: خارج کرد |
| ٩ اِسْتَمَعَ بر وزن «اِفْتَعَلَ» از باب «اِفْتِعَالُ» و به معنای «گوش فرا داد» است. | ✓ اِفْتَعَلَ |
| ١٠ اِنْتَظَرَ بر وزن «اِفْتَعَلَ» از باب «اِفْتِعَالُ» و به معنای «انتظار کشید، منتظر شد» است. | ✓ اِفْتَعَلَ |

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۵/۹ نمره	۵/۵ نمره	۲۵/۱ نمره	۷۵/۱ نمره

ترجمه و درک مطلب

۵/۰ نمره

انتخاب گزینه
درست در
ترجمه جمله



۷ نمره

ترجمه جملات
کتاب از عربی
به فارسی



۱ نمره

درک مطلب یا
صحیح و غلط



۱ نمره

تکمیل ترجمه ناقص



بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۹/۵ نمره	۵/۵ نمره	۱/۲۵ نمره	۱/۷۵ نمره

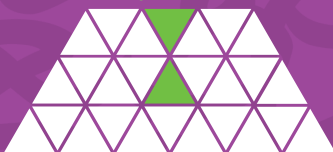
واژگان

نوشتن مفرد یا
جمع اسم

۷۵/۰ نمره
مترادف و متضاد



۵/۰ نمره



۱ نمره
نوشتن معنای چهار کلمه
داخل جمله از عربی به
فارسی



۱ نمره
پر کردن جاهای
خالی با کلمات مناسب
یا توضیح کلمات



۲ نمره
تشخیص و ترجمه
اسم فاعل، مفعول،
مبالغه، مکان و
تفضیل



۲۵/۰ نمره
تشخیص کلمه
ناهماهنگ از نظر معنا



بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
۲ نمره	۹/۵ نمره	۵/۵ نمره	۱/۲۵ نمره	۱/۷۵ نمره

قواعد

۲۵/۰ نمره
حال

۲۵/۰ نمره
مفعول مطلق

۲۵/۰ نمره
مستثنی

۲۵/۰ نمره
نوع مفعول مطلق

۲۵/۰ نمره
مستثنی منه



بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
نمره ۱/۷۵	نمره ۱/۲۵	نمره ۵/۵	نمره ۹/۵	نمره ۲

تحلیل صرفی و محل اعرابی

